



روزشمار محرم (۶)، کمک خواستن حبیب ابن مظاهر از قبیله بنی اسد

هنگامی که طایفه ی بنی اسد دانستند که تاب مقاومت با عمرسعد را ندارند، در سیاهی شب پراکنده شدند و شبانه از محل خود کوچ کردند که مبادا عمر بن سعد شبانه بر آنها بتازد.

هنگامی که طایفه ی بنی اسد دانستند که تاب مقاومت با عمرسعد را ندارند، در سیاهی شب پراکنده شدند و شبانه از محل خود کوچ کردند که مبادا عمر بن سعد شبانه بر آنها بتازد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: عبیدالله در روز ششم محرم نامه ای به عمر بن سعد نوشت که: من از نظر کثرت لشکر اعم از سواره و پیاده و تجهیزات، چیزی را از تو فروگذار نکردم، توجه داشته باش که هر روز و هر شب گزارش کار تو را برای من می فرستند! (۱)

کوچ شبانه بنی اسد از کربلا

در این روز حبیب بن مظاهر به آن حضرت عرض کرد: یابن رسول الله! در این نزدیکی طائفه ای از بنی اسد سکونت دارند که اگر اجازه دهی من به نزد آنها روم و ایشان را بسوی تو دعوت کنم، شاید خداوند شر این گروه را از تو با حضور بنی اسد در کربلا دفع کند!

امام، اجازه داد، و حبیب بن مظاهر شبانگاه بیرون آمد و نزد آنها رفت و آنها را به همراهی با امام (ع) دعوت کرد. مردان قبیله که تعدادشان به نود نفر می رسید بپاخواستند و برای یاری امام حرکت کردند. در آن هنگام، مردی نزد عمر بن سعد رفته و او را از جریان کار آگاه کرد و او مردی را به نام ازرق با چهار صد سوار بسوی آن گروه روانه ساخت، و در دل شب سواران ابن سعد در کنار فرات راه را بر آنها گرفتند در حالی که با امام فاصله چندانی نداشتند.

طایفه ی بنی اسد با سواران ابن سعد درآویختند، هنگامی که طایفه ی بنی اسد دانستند که تاب مقاومت با آن گروه را ندارند، در سیاهی شب پراکنده شدند و به قبیله خود بازگشتند و شبانه از محل خود کوچ کردند که مبادا عمر بن سعد شبانه بر آنها بتازد. حبیب بن مظاهر به خدمت امام آمد و جریان را گفت، امام حسین (ع) فرمود: لا حول و لا قوه الا بالله (۲)

پاورقی:

۱- بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۸۷

۲- بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۸۶